

### متن پرسش

با سلام: به نظرم عرفان یک چیزی کم دارد. به نظرم در عرفان باید درد فراق باشد در حالیکه حرف از وصال است. باید عرفان، لا عرفان شود. چرا؟ چون ما با حقیقت دست نیافتنی روبرویم. به نظرم ما با توجه به الله از ذات غافلیم و ذات در نزد عارف گویا نیستی است. عارف به جای همدمی با ذات می آید و همدم اسم می شود. چرا عارف در فراق ذات نسوزد. آن فراق است که لذت دارد. هر آنچه که ذات به عنوان اسم از خودش ظهور می دهد برای آن است که توجه به ذات کنیم و در سرزمین حیرت ابدی بسوزیم. نظر شما درباره متن فوق چیست؟ آیا با وحدت وجود می سازد؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرفان حقیقی متذکر می شود که انسان همواره در راه است. به لطف الهی پس از مطالعه کتاب «فصوص الحکم» همراه با شرح لازم و ورود به کتاب شریف «منازل السائرین» در آخرین منازل است که سالک در عطش توحید، خود را می یابد که البته بحث آن بسیار مفصل است. موفق باشید